

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: فرح نوتاش

۱۳ مارچ ۲۰۱۹

تربیون بحث و تبادل نظر وضعیت امروز ایران و دورنمای آن به مناسبت چهلمین سالگرد قیام مردمی سال ۵۷ و سرنگونی رژیم شاه در ایران

در ایران امروز اکثریت بزرگی از جامعه در شرایط بس اسفناکی به سر می‌برند. فقر، نکبت، فساد، گرسنگی، بی خانمانی به طور وسیعی افزایش یافته است – از یک طرف ما شاهد اعتصابات کارگری برای دریافت دستمزدهای عقب افتاده و تظاهرات خیابانی هستیم و از طرف دیگر پدیده‌های ناهنجاری مانند بیکاری، تن فروشی اعتیاد و دیگر آسیب‌های اجتماعی بیداد می‌کنند، آفتی که بیش از همه زنان و کودکان را به ورطه بزهکاری و مرگ سوق می‌دهد. نقطه اوج این بربریت، سرکوفت و تحقیر زنان است. جمهوری اسلامی با آوردن قوانین اسلامی ضد زن در قانون اساسی بندهای مردسالاری را هرچه بیشتر محکم کرده و به خصوص زنان زحمتکش را مورد اذیت و آزار و تبعیض جنسی قرار داده و آنها را به زائده مردان تنزل داده است.

چهل سال پیش در ۲۲ بهمن [دلو] سال ۵۷ بعد از شش ماه مبارزه سرسخت و تودهنی، رژیم وابسته به امپریالیسم شاه توسط مردم به پا خاسته سرنگون شد. در این مبارزات که از اگست ۱۹۷۸ آغاز شده بود بخش‌های گسترده‌ای از توده‌های خلق، ملیت‌های تحت ستم (از جمله کردها) و اقلیت‌های مذهبی و جمعیت زیادی از زنان و جوانان شرکت داشتند به طوری که در این کارزار اجتماعی کارگران نقش تعیین کننده‌ای ایفاء نمودند. این کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا بودند که از سپتمبر ۱۹۷۸ تولید – به خصوص نفت را در استان خوزستان فلج کرده و بدین طریق سرمایه‌داران داخلی و به خصوص کنسرن‌های انحصاری را تحت فشار قرار دادند.

با پشتیبانی سازمان‌های انقلابی و فعالان کارگری در تمامی اماکن تولیدی و شهرهای بزرگ، شوراهای کارگری، مردمی و دهقانی به مثابه ارگانه‌های قیام برپا شدند که نه تنها احتیاجات اهالی را تأمین می‌کردند بلکه مبارزه – به خصوص مبارزه مسلحانه علیه حملات ارتش را هماهنگ می‌نمودند. در زیر فشار تظاهرات تودهنی سراسری و حمله به زندان‌ها و مراکز نظامی تمامی زندانی‌های سیاسی آزاد شدند، سربازان از پادگان‌ها گریختند و بهار نسبی آزادی بیان و تجمع برای مدت زمانی کوتاهی به دست آمد، که متأسفانه خیلی زود به خزان تبدیل شد.

در دوم دسمبر تنها در تهران دومیلیون نفر با شعار سرنگونی رژیم شاه دست به نمایش خیابانی زدند. امپریالیست‌های غربی وحشت زده از تحولات جاری به دنبال بدیلی برای عروسک دست نشانده خود شاه بودند تا خشم و نفرت توده

مردم را به مدار بی‌آزاری به نفع خویش هدایت نمایند و کنترل بر کشور نیمه مستعمره ایران و سرمایه‌گذاری‌های سود آور خود را همچنان داشته باشند. بدین منظور سران چهار کشور امپریالیستی- فرانسه، انگلستان، ایالات متحده آمریکا و آلمان در گوادالوپ (Guadeloupe) گردهم آمدند و تصمیم به دادن قدرت به خمینی که در آن زمان به فرانسه آورده شده بود به جای شاه گرفتند. در زیر فشار تظاهرات توده‌ای و قیام مردمی در تمامی شهرهای بزرگ از جمله در استان کردستان، شاه در تاریخ ۱۶ جنوری ۱۹۷۹ از ایران فرار کرد و ۱۴ روز بعد خمینی وارد تهران شد.

رژیم جدید بعد از اعلام «جمهوری اسلامی» در اول اپریل ۱۹۷۹، چند هفته‌ای طول نکشید که چهره واقعی خود را نشان داد و دست به برقراری خفقان و سرکوب زد و در کنار بستن روزنامه‌های مترقی، حجاب اجباری را مقرر نمود. با پشتیبانی وسیع خمینی از طرف امپریالیست‌ها، عوام‌فریبی به ظاهر ضد امپریالیست بودن او از جمله خواسته‌های ارتجاعی‌اش در بخش وسیعی از توده‌ها تأثیر گذاشت و آنها را از جنبش انقلابی جدا کرد، چون اکثریت بزرگی از مردم تنها خواهان «برکناری» شاه بودند و ذهنیت روشنی از ماهیت کسی که بعد از او می‌آید را نداشتند. چند ماهی نگذشت که نوکران جدید امپریالیسم دست به سرکوب مقاومت نیروهای که حاکمیت جدید را بر نمی‌تافتند زدند، ده‌ها هزار از انقلابیون، نیروهای مترقی و دگراندیشان به زندان انداخته شدند و یا در کف خیابان‌ها به قتل رسیدند. مبارزه و مقاومت گسترده‌ای که درست از اوایل اگست ۱۹۷۹ علیه رژیم سرکوبگر و تروریستی جمهوری اسلامی آغاز شده است تا به امروز ادامه دارد، تقابلی که در آن نیروهای انقلابی، زنان و جوانان نقش برجسته‌ای ایفاء نمودند. در ادامه این سرکوب‌ها رویونیست‌ها (مانند حزب ارتجاعیون توده‌ای و فدائیان اکثریتی و زایدیه‌ای آنها) و ملی‌گرایان اسلامی که از همان اول از رژیم اسلامی پشتیبانی و در مهندسی آن شرکت داشتند همانند نیروهای واقعاً انقلابی مورد تعقیب و سرکوب قرار گرفتند. رژیم جدید با اعمال قهر ضد انقلابی حاکمیت خود را تثبیت نمود و در طول این چهل سال همواره سرکوب خونین نیروهای مخالف را در صدر برنامه خود داشته است.

نقطه اوج این سیاست، کشتار دولتی در اواخر سال ۱۹۷۹ اوایل ۱۹۸۰ با شروع جنگ ایران و عراق بود که هزاران نفر از اعضاء و هواداران سازمانهای مترقی و انقلابی و مخالفان رژیم به قتل رسیدند و یا به زندانها انداخته شده و زیر شکنجه قرار گرفتند. در ادامه این سرکوب‌ها تمامی جامعه میلیتاریزه و اسلامی شد، سپاه پاسداران، بسیج و دیگر باندهای سرکوب به عامل جوخه‌های مرگ تبدیل شدند. در نیمه دوم سال ۱۹۸۸ در پایان جنگ ارتجاعی ایران و عراق در طول تنها دو ماه به دستور خمینی هزاران زندانی سیاسی در زندانها اعدام گردیدند و بدین شکل نسلی از انقلابیون و مخالفان نابود شدند.

در طول این سالها در زیر فشار تضادهای آشتی ناپذیر نظام سرمایه‌داری وابسته اختلافات درونی طبقه حاکم و نزاعهای آنها در چگونگی اتخاذ تاکتیک سرکوب جنبش هر بار به شکلی سر بلند کرده است. این نزاعها در واقع به دلیل وابستگی رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیسم انعکاس تضادهای درونی امپریالیست‌ها و انتقال آن به حاکمیت سیاسی در ایران است. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ این اختلافات از درون رژیم حاکم «جناح اصلاح طلبان»، «جنبش سبز» به رهبری موسوی و کروبی و به اصطلاح جناح اصولگرایان به رهبری احمدی نژاد و خامنه‌ای سر ریز شد که هزاران نفر روانه خیابان‌ها شدند تا به قلب در «انتخابات» اعتراض کنند. در پایان دسمبر ۲۰۱۷ موج جدیدی از اعتراضات که از مشهد آغاز شده بود به صدها شهر دیگر سرایت کرد که پشت آن اینبار هم نزاعهای درونی بورژوازی کمپرادور ایران بود که توده‌های وسیع مردم از این فرصت در خیابان‌ها استفاده کرده و با زیر سؤال قرار دادن تمامیت رژیم خواستار برآوردن منافع خویش شدند.

رژیم‌های سرکوبگر در ایران شاه، خمینی و یا حال خامنه‌ای همگی کارگزاران دیکتاتوری امپریالیستی در یک نظام نیمه مستعمراتی‌اند که در ستیزی کامل با منافع طبقه کارگر و توده‌های مردم قرار داشته، و وظیفه شان حفظ منافع غارتگرانه و استثمار امپریالیست‌ها و تأمین سود مافوق سرمایه داران داخلی و خارجی است. در شرایط فعلی امپریالیست‌ها، کنفرانس سران هفت کشور (G7) سازمان تجارت جهانی (WHO) بانک جهانی (Weltbank)، صندوق جهانی پول (IWF) و غیره امکان دیگری غیر از رژیم اسلامی جهت حفظ منافع غارتگرانه و استثمار خویش نمی‌بینند که همانند <بهار عربی> مبارک (Mubarak) را با مورسی (Mursi) و سپس با جنرال سیسی (Sisi) تعویض کنند. آنها به این دیکتاتورها محتاجند تا سیاست اقتصادی نولیبرالی خود را به پیش ببرند.

خیزش‌های مردمی و جنبش‌های اجتماعی در کشورهای نیمه مستعمره و وابسته به دلیل اختناق و سرکوب حاکم صحنه پر شوری از قهرمانی‌ها و از خودگذشتگی تا سرحد جانبازی را همانند قیام بهمن ۵۷ نشان داده‌است ولی نیروی مقاومت کارگران و توده‌های خلق در جدالی دراز مدت در زیر فشار طبقات حاکم سائیده شده و بالاخره فرو می‌ریزد. این جنبش‌ها اگر قادر نباشند یک هسته رزمنده و مراکز سازماندهی انقلابی را به وجود آورند که نقش پیشرو و بسیج کننده را ایفاء کنند، در نهایت توسط جناح‌های مختلف درون حاکمیت سیاسی به انحراف کشانده شده و توسط آنها سرکوب و مصادره می‌شوند. و اگر هم آنها موفق شوند دیکتاتورهای مورد نفرت مردم را از تخت قدرت به زیر بکشند، مزدوران دیگری به مردم تحمیل خواهند شد، همانطور که چهل سال پیش در ایران شاهد آن بودیم و در آینده هم این عصیان‌های اجتماعی از آنجائی که بدون برنامه، تشکیلات و رهبری انقلابی‌اند، جز این سرنوشتی نخواهند داشت. به اعتقاد ما این چرخه بیهوده را می‌توان تنها از طریق ایجاد یک حزب کمونیست انقلابی و در مبارزه‌ای مستقیم و قهرآمیز با حاکمیت سیاسی درهم شکست و با طرح بدیلی انقلابی در برابر مناسبات غالب، دورنمای یک جامعه سوسیالیستی را در برابر توده‌ها گشود و مبارزات آنها را در جبهه‌های مختلف به هم پیوند زد و به رهائی واقعی دست یافت.

جنبش‌های گسترده کارگران (به عنوان مثال اعتصاب سه ماهه کارگران نیشکر هفت تپه، فولاد سازی اهواز) کارگران کشت و زرع (دشت مغان) و دهها جنبش کارگری دیگر...، زنان و جوانان، معلمان، پرستاران، فرودستان شهر و ده و غیره، همگی دارای خواسته‌های دمکراتیک و انقلابی هستند که می‌توانند در صورت پیگیری و تشکلیابی مبارزه‌ای همه‌جانبه را علیه سلطه امپریالیسم و رژیم وابسته به آن به پیش ببرند. تنها از این راه می‌توان به یک نظم اجتماعی نوین بدون استثمار و تبعیض و فارغ از هرگونه سرکوب جنسی، ملی و مذهبی دست یافت. ما در اتریش همبستگی خود را با مبارزات کارگران و توده‌های خلق برای دست یابی به خواسته‌های اقتصادی - اجتماعی و نیز دمکراتیک - انقلابی‌شان اعلام کرده و از آنها پشتیبانی می‌کنیم.

نابود باد رژیم جمهوری اسلامی!

مرگ بر نظام سرمایه‌داری در ایران مرگ بر امپریالیسم!

ما هرگونه بایکوتی را علیه کارگران و توده‌های مردم محکوم می‌کنیم!

پیش به سوی مبارزه برای حقوق کارگران و توده‌های خلق!

نابود باد سرکوب نواستعماری! زنده باد دمکراسی خلق و سوسیالیسم!

Solidarität Plattform Iran, c/o Amerlinghaus, Stiftgasse 8, 1070 wien

زمان: شنبه ۱۶ مارس ۲۰۱۹ ساعت ۱۷ تا ۲۱

مکان: Amerlinghaus, Stiftgasse 8, A-1070 Wien